

آیا می‌توان به کمک دانش ستاره‌شناسی آینده زندگی افراد را پیش‌بینی کرد؟

«امسال بین مارس یا مریخ و پلوتون یک مثلث دیده می‌شود؛ یعنی بین ستاره جنگ و خونریزی و پلوتون که سیاره رنج و سختی و دنیای بعد از مرگ است. اینها حالا با سیاره نپتون یک مثلث تشکیل داده‌اند و این چارت نجومی نشان می‌دهد که باید منتظر یک حادثه مهم باشیم؛ چیزی مانند زمین لرزه.»

«امسال بین مارس یا مریخ و پلوتون یک مثلث دیده می‌شود؛ یعنی بین ستاره جنگ و خونریزی و پلوتون که سیاره رنج و سختی و دنیای بعد از مرگ است. اینها حالا با سیاره نپتون یک مثلث تشکیل داده‌اند و این چارت نجومی نشان می‌دهد که باید منتظر یک حادثه مهم باشیم؛ چیزی مانند زمین لرزه.»

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: علم چه می‌گوید؛ آیا می‌توان به کمک دانش ستاره‌شناسی آینده زندگی افراد را پیش‌بینی کرد؟ علم چه می‌گوید؛ آیا می‌توان به کمک دانش ستاره‌شناسی آینده زندگی افراد را پیش‌بینی کرد؟

یورو نیوز: «امسال بین مارس یا مریخ و پلوتون یک مثلث دیده می‌شود؛ یعنی بین ستاره جنگ و خونریزی و پلوتون که سیاره رنج و سختی و دنیای بعد از مرگ است. اینها حالا با سیاره نپتون یک مثلث تشکیل داده‌اند و این چارت نجومی نشان می‌دهد که باید منتظر یک حادثه مهم باشیم؛ چیزی مانند زمین لرزه.»

بعد از درگذشت پاپ فرانسیس، جست‌وجوهای اینترنتی درباره نوستراداموس، منجم و طالع بین فرانسوی قرن شانزدهم، افزایش چشمگیری یافت. این نخستین بار نیست که پیشگویی‌های او هم‌زمان با رویدادهای مهم جهانی، دوباره مطرح می‌شود. اما چرا نام این پیشگو پس از گذشت قرن‌ها همچنان زنده است؟ میشل دو نوتردام، که با نام نوستراداموس شناخته می‌شود، پزشکی فرانسوی بود که بیماران مبتلا به طاعون را درمان می‌کرد. او همچنین منجم آماتوری بود که در سال ۱۵۵۵ کتاب «پیشگویی‌ها» را منتشر کرد. این مجموعه شامل ۹۴۲ رباعی رمزآلود بود که ادعا می‌کرد در آن وقایع آینده، به ویژه رویدادهای فاجعه بار را پیش‌بینی کرده است.

اینها بخشی از سخنان فردی است که مدعی است می‌تواند با مطالعه حرکت سیارات، آینده زمینیان را پیش‌بینی کند. برخی حتی می‌گویند که می‌توانند بطور مشخص، آینده زندگی فردی و حرفه‌ای اشخاص را پیش‌بینی کنند؛ مثلاً می‌گویند که آیا ستاره‌های دو نفر برای زندگی مشترک با هم جفت هستند یا خیر.

برخی به این سخنان، صرفاً به عنوان یک سرگرمی می‌نگرند و برخی واقعا به طالع‌بینی و پیش‌بینی آینده بر اساس حرکت و موقعیت اجرام آسمانی، باور دارند.

اما آیا واقعا علم ستاره‌شناسی می‌تواند آینده زندگی انسان‌ها را پیش‌بینی کند؟

ستاره‌شناسی یا اخترشناسی (Astronomy) به دنبال مطالعه علمی اجرام آسمانی (ماه و ستارگان، سیارات، سیارک‌ها، دنباله‌دارها و کهکشان‌ها) و در مجموع پدیده‌هایی است که بیرون از جو زمین وجود دارند.

ستاره‌شناسی، علمی تقریباً بی‌کران بر پایه قوانین فیزیک و ریاضیات همچنین روش‌های مشاهده با ابزارهای پیشرفته مانند تلسکوپ است و یک علم تجربی پذیرفته شده محسوب می‌شود. در طول قرن‌ها، دامنه ستاره‌شناسی گسترده‌تر شده و زمینه‌های علمی دیگری مانند اخترفیزیک را هم در بر گرفته است و به هیچ وجه درگیر موضوعاتی مانند تأثیر ستارگان بر روابط عاشقانه انسان‌ها نیست.

اما طالع‌بینی (Astrology) یک سیستم باور و یک نظام اعتقادی است که نمی‌توان آن را با روش‌های علمی یا آزمایش تأیید کرد. این سیستم بیش از ۵ هزار سال قدمت دارد و در فرهنگ‌های مختلف، از مصر باستان تا بابل و یونان رواج داشته است. طالع‌بینی ادعا می‌کند موقعیت ستارگان و سیارات، بر سرنوشت و شخصیت انسان اثر دارد و سعی دارد آینده زندگی افراد را با اتکا به تفسیرهای نمادین و بدون سنجش علمی شرح دهد و این ادعاها از نظر علمی قابل اثبات نیست.

به عبارت دیگر، با وجود شباهت در نام و ارتباط هر دو با ستارگان و فضا، ستاره‌شناسی بر مشاهده و اندازه‌گیری واقعیت‌ها متکی است و طالع‌بینی بر تفسیرهای نمادین و گاه مبهم. حتی نام‌های طالع‌بینی مانند نشانه‌های زودیاک، برگرفته از صور فلکی و تقسیمات «تاریخی» آسمان است و ارتباط مستقیمی با «موقعیت واقعی ستارگان» ندارد.

ایده طالع بینی با اتکا به علم ستاره شناسی به هزاران سال قبل برمی گردد. در مصر باستان، چین، بابل و یونان، مردم از ستارگان و صور فلکی برای برنامه ریزی کشاورزی، پیش بینی رویدادها و حتی تصمیم گیری های سیاسی استفاده می کردند.

در یونان باستان، ۱۲ نشانه زودیاک طراحی شدند که بعدها در طالع بینی هم استفاده شد. با این حال، این سیستم بر پایه ریاضیات و ستاره شناسی واقعی نیست و بیشتر ریشه فرهنگی و نمادین دارد.

صورت های فلکی و نشانه های زودیاک چیستند؟

صورت های فلکی، گروهی از ستارگان هستند که با کنار هم قرار گرفتن، شکل یا الگویی مشخص را تشکیل می دهند؛ مثلاً به شکل حیوانات یا اشیای مختلف. اگر تا به حال به آسمان شب خیره شده باشید، احتمالاً برخی از صورت های فلکی مشهور مانند شکارچی (Orion) یا دب اکبر (Ursa Major) را دیده اید.

در مجموع ۸۸ صورت فلکی وجود دارد و پژوهش ها نشان می دهند که این الگوها بیشتر اتفاقی هستند؛ اما همچنان برای دانشمندان ابزاری مفید به شمار می آیند تا بتوانند درباره موقعیت ستارگان با یکدیگر صحبت کنند.

منظور از نشانه های زودیاک نیز کمربندی خیالی در آسمان است که مسیر حرکت خورشید را به ۱۲ بخش تقسیم می کند؛ هر بخش با یک صورت فلکی خاص مرتبط است. برج تولد شما بر اساس بخشی از زودیاک تعیین می شود که خورشید در روز تولدتان در آن قرار داشته است.

به این ترتیب وقتی کسی از برج تولد یا نشانه زودیاک خود صحبت می کند، در واقع به یکی از ۱۲ نشانه «دایره البروج» اشاره دارد.

در طالع بینی مبتنی بر ستاره شناسی باور بر این است که برج تولد شما می تواند بر شخصیت، روابط و حتی آینده شغلی تان تأثیر بگذارد. هر نشانه مربوط به بازه ای از تاریخ هاست که در جدول های زودیاک می توان آن را یافت.

با این وجود، در عالم واقعیت هنوز هیچ مدرک علمی وجود ندارد که نشان دهد برج های فلکی بر شخصیت یا هوش انسان تأثیری دارند. دیگر اینکه با گذر زمان، موقعیت ستارگان نیز نسبت به نشانه های ثابت زودیاک تغییر کرده است که حاصل پدیده ای است به نام «پدیده پیش حرکت زمین».

به گفته اودن والد، ستاره شناس و مدیر بخش علم شهروندی در کنسرسیوم آموزش علوم فضایی ناسا، ایده اینکه دایره البروج از ۱۲ بخش ۳۰ درجه ای تشکیل شده و خورشید در طول سال از هر بخش عبور می کند، توسط بطلمیوس قانون مند شد. در آن دوران، اولین روز بهار زمانی بود که خورشید در صورت فلکی حَمَل دیده می شد، و از همان نقطه، بقیه سال اندازه گیری می گردید.

اما از آن زمان تاکنون، زمین به دلیل پدیده ای به نام پیش روی محوری (precession)، کمی در محور خود جابه جا شده است. بنابراین، تاریخ های امروزی نشانه ها دیگر دقیقاً با موقعیت واقعی صورت های فلکی منطبق نیستند؛ در واقع، تقریباً یک نشانه به سمت غرب جابه جا شده اند.

با وجود این، امروزه طالع بینان همچنان محاسبات خود را بر اساس نشانه های ثابت زودیاک انجام می دهند، نه موقعیت واقعی ستارگان. به عبارت دیگر، اگر خورشید در روز تولد شما در «نشانه قوس» قرار داشته باشد، شما در طالع بینی یک قوس محسوب می شوید، حتی اگر خورشید در آسمان واقعی در جای دیگری باشد.

چرا مردم همچنان به طالع بینی اعتقاد دارند؟

با وجود رد علمی انواع طالع بینی، محبوبیت آن همچنان بالاست که عمدتاً دلایل روان شناختی دارد:

اولین دلیل، چیزی است که «پیش گوئی خودتحقق بخش» نامیده می شود (self-fulfilling prophecy): گاهی ممکن است احساس کنید فال یا طالع تان دقیق است، اما این بیشتر به همین پدیده مربوط می شود. یعنی اگر کسی صبح فال خود را بخواند و در آن نوشته باشد که امروز باید با دیگران مهربان باشد، احتمالاً در طول روز واقعاً مهربان تر رفتار می کند؛ اما این رفتار ناشی از نوشته فال است، نه از موقعیت ستارگان.

دلیل دوم، واقعیتی روان شناختی است که تایید خودخواسته (Confirmation Bias) نامیده می شود: یعنی جست و جوی تفاسیری که با آنچه از قبل دوست داریم درست باشد، هم خوانی دارد. مثلاً اگر طالع بینی می گوید «شما امروز شانس دارید و روز خوبی می گذرانید»، آن را به خود یادآوری می کنید و اگر روزتان بد بگذرد، آن را نادیده می گیرید.

اودن والد نیز می گوید: «آدم ها جنبه های مثبت را بزرگ می کنند و منفی ها را فراموش. ما همین طور ساخته شده ایم.»

دلیل سوم، جادوی پیش بینی های عمومی و کلی (Barnum Effect) نام دارد: در طالع بینی معمولاً جملات کلی و قابل تطبیق با اکثر افراد ارائه می شود، مثل «گاهی دلسوز هستی و گاهی مستقل». اکثر افراد فکر می کنند این توصیف دقیقاً درباره آن ها گفته شده، در حالی که این حرف ها برای بسیاری از افراد صادق است.

دلیل چهارم، اثر پلاسیبو و خودانگیختگی نام دارد: وقتی کسی به فال یا طالع بینی اعتقاد دارد، رفتارهایش تغییر می کند و این تغییرات می تواند تأثیری واقعی بر زندگی او داشته باشد، اما این نتیجه ستاره ها نیست، نتیجه خودباوری است.

و در نهایت اینکه، نیاز به امنیت روانی یک فاکتور مهم است: زندگی پر از عدم قطعیت است و مردم دوست دارند احساس کنند می توانند آینده را پیش بینی یا کنترل کنند. طالع بینی این «حس کنترل و امنیت» را موقتاً فراهم می کند.

یک طالع بین حرفه ای که تجربه سال ها پیشگویی داشته، توضیح داده است که بیشتر مراجعان به دنبال شنیده شدن و تخلیه احساسات هستند، نه دریافت پیش بینی های دقیق از ستاره ها. او همچنین متوجه شده که حتی وقتی پیش بینی هایش به نظر دقیق می رسند، نتیجه تخیل و ذهن مشتری است، نه واقعیت های نجومی.

مطالعات نشان داده اند که حتی افراد تحصیل کرده و باهوش، مانند سیاستمداران و مدیران شرکت ها، گاهی تحت تأثیر طالع بینی تصمیم می گیرند. این تأثیر به دلیل ناامنی و عدم قطعیت زندگی است، نه سطح هوش یا تحصیلات.

علم چه می گوید؛ آیا مغز انسان «قدرت پیش بینی» دارد؟

او که در دوران دانشجویی و صرفاً برای سرگرمی شیوه خواندن کارت های تاروت را آموخته بود، می گوید که وقتی چند بار با کارت هایش برای دوستانش فال گرفته، از سوی آنها پیشگو خوانده شده و حیرت دیگران از درستی پیشگویی هایش باعث شده که این راه را در زندگی در پیش بگیرد.

ناکامی او در تحصیلات دانشگاهی اش، باعث می شود که به این حرفه گرایش بیشتری نشان دهد. او سپس برای پیشرفت در کارش، در دوره های روانشناسی شرکت کرده و آموخته است که «اولین چیزی که به ذهنش می آید» را به مشتریان بگوید. مربی اش به او گفته بود: «اولین افکار تو بیشترین قدرت پیشگویی را دارند، قبل از آنکه ذهن منطقی دخالت کند.»

او می گوید که اگرچه اکنون طالع بین ها حتی از داده های ناسا برای محاسباتشان استفاده می کنند، اما طرح طالع بینی آنها یک نقشه واقعی از آسمان نیست. بابتی ها که طالع بینی را اختراع کردند، اعتقاد داشتند خورشید به دور زمین می چرخد و طالع بین های مدرن هنوز از نمودارهای زمین محور استفاده می کنند، انگار کوپرنیک هرگز وجود نداشته است و این تازه آغاز مشکلات علمی این حرفه است.

او آموخته بود که همه چیز به هم مرتبط است و هر چیزی نماد چیز دیگری است و می گوید که تفاسیر طالع بینی، متکی به یک اصل به نام «جادوی هم نشینی» است؛ یعنی چیزهایی که شبیه هم هستند به هم مرتبط می شوند.

مثلاً مریخ قرمز است، پس چیزهای قرمز مانند خون تحت سلطه آن هستند. خون چگونه به دست می آید؟ با بریدن، بنابراین مریخ با موضوعاتی چون جراحی و جنگ مرتبط است.

حرکات سیارات هم به همین شیوه تفسیر می شوند؛ مثلاً اگر زحل (سیاره محدودیت ها) در حال گذر از خانه اول خود باشد، یعنی زندگی شما محدود خواهد شد. یا شاید فرصت بر عهده گرفتن مسئولیت های بیشتر از شما سلب شود. یا شاید فردی سرد و انتقادی وارد زندگی شما شود.

«علاقه نسل هزاره به طالع بینی»

به گفته او، همه مشکلات مراجعه کنندگان را می شد به چند دسته تقسیم کرد: مشکلات عاطفی، مشکلات کاری، یا ترس از انجام تغییری بزرگ و ضروری در کار و زندگی.

او می گوید: «این داستان ها را آنقدر شنیدم که اغلب می توانستم لحظه ورود مشتری، حدس بزنم مشکلش چیست. مثلاً جوانان دل شکسته، معمولاً ترجیح می دهند با پیشگوها صحبت می کنند زیرا گفتن حرف های خصوصی خود به دوستانشان را صلاح نمی دانند. به همین دلیل گاه به محض ورود یک جوان می گفتم: ویش کن، ارزشش رو نداره! و آنها با حیرت به من نگاه می کردند.»

او می گوید: «آموختم که هوش و تحصیلات همیشه در برابر خرافات پیروز نمی شود. زیرا بسیاری از مشتریان من، کارگزار بورس یا سیاستمدار بودند؛ یعنی با مسائلی روبه رو بودند که نتایج آن ها قابل کنترل نبود... این عدم اطمینان است که مردم را به سوی باورهای شبه ماورایی می کشاند، نه حماقت؛ پس تعجبی ندارد که نسل هزاره به طالع بینی علاقه دارد. آن ها با هری پاتر بزرگ شدند و وارد اقتصادی ناپایدار شدند که آن ها را به مشتریانی ایده آل برای طالع بینی تبدیل می کرد.»

«همکاری ناآگاهانه طالع بین و مشتری»

این طالع بین که بصورت ناشناس صحبت کرده، می گوید راز موفقیت در طالع بینی در «واکنش مردم» نهفته است و «باور بی چون وچرای مردم به استعداد من». زیرا حتی برخی از مشتریان دائمی اش هم ادعا می کردند که او پیش بینی های بسیار خاصی داشته است؛ اما واقعیت این است که او هرگز چنین چیزهایی را بر زبان نیاورده بود.

در واقع او داستانی کلی گفته بود و و ذهن مشتری به آن جزئیات جدیدی اضافه کرده بود. او می گوید: «تازه آنموقع بود که فهمیدم که فال گیری در واقع یک همکاری ناآگاهانه میان من و مشتری است.»

او همچنین به یک مشتری اشاره دارد که نمی دانسته در میان سه رشته دانشگاهی عکاسی، طراحی گرافیک یا طراحی صنعتی کدام را انتخاب کند.

طالع بین می گوید: «به او گفتم عکاسی را انتخاب کن. با چشمانی باز و متعجب نگاهم کرد و گفت: از کجا فهمیدی؟ و توضیح داد که عاشق عکاسی است، اما والدینش تأیید نمی کنند. نتوانستم حقیقت را به او بگویم که وقتی گفت عکاسی، لحن صدایت شادتر بود.... معلم روانشناسی من حق داشت؛ نشانه هایی که پیش از آگاهی منطقی دریافت می کنیم، می توانند دقیق و باارزش باشند.»

اعتقاد این طالع بین بر این است که «پیشگویی» در واقع فرآیندی روانی و اجتماعی است، نه ماورایی. مشتریان در جست وجوی راه حل نیستند، بلکه نیاز دارند شنیده شوند و از اضطرابشان کاسته شود. فال گیر با استفاده از نشانه های کلامی، زبان بدن، لحن صدا و تجربه اش از انسان ها، پاسخی می سازد که برای مشتری معنادار به نظر می رسد.

به بیان ساده تر، آنچه «جادو» به نظر می رسد، در واقع ترکیبی از همدلی، مشاهده و روان شناسی شهودی است و «نیاز به معنا، امید و کنترل بر زندگی است که انسان ها را به سوی طالع بینی و خرافات می کشاند».

او همچنین پیش بینی کرد که سرمایه گذاری شرکت های فناوری روی اپلیکیشن های طالع بینی آن قدر زیاد شود که در نهایت سیستمی از پیش گوئی واقعی به وجود آید؛ زیرا انسان ها قابل پیش بینی هستند. هرچه مردم بیشتر از توصیه های این برنامه ها پیروی کنند، دقت این اپلیکیشن ها در پیش بینی بیشتر می شود، و این چرخه، یک «زنجر الکترونیکی و نامرئی دورشان می پیچد».

اما به هر حال، چنین برنامه هایی فوق العاده محبوب خواهند شد زیرا «وقتی کمی جادو و فریب روی هرچیزی بپاشی، می توانی آن را به مردم بفروشی».